

«بسمه تعالی»

عنوان مقاله

تأثیر خانواده بر شکل گیری شخصیت بانو مجتهده امین وشهیده
بنت الهدی

مدرسه ریحانه النبى(س) شهرستان شادگان

پژوهشگران

معصومه عبادی، ایمان سلطانی

«تأثیر خانواده بر شکل‌گیری شخصیت بانو مجتهد و شه‌یده بنت الهدی صدر¹»

چکیده

خانواده این دو بانو نقش اساسی در شخصیت آنها داشته است کمتر خانواده ای پیش می‌آید که متدین باشند اما فرزند آنها منحرف شود. بررسی زندگی این دو بانو و شناخت نقش خانواده آنها در تربیت آنها می‌تواند برای زنان امروزه بالخصوص طلاب تأثیری‌زایی داشته باشد. از آنجا که این دو بانو در زمانه ای زندگی می‌کردند که حکومت‌های طاغوتی بوده و موانع پی‌شرفت معنوی کم بوده اما این دو بانو با توجه به خانواده ای خویشت که تأثیرات زی‌ادی در شجاعت، علم‌آموزی و معنویت داشته اند حکومت طاغوتی مانع بر سر راه آنها در ابعاد مختلف علمی، معنوی، سیاسی نداشته است. متأسفانه در زمینه زندگی خانوادگی این بانو تأثیر آن به آنها کمتر تحقیق صورت گرفته است. بهمین جهت این سؤال پیش می‌آید که خانواده چه نقشی در شکل‌گیری شخصیت آنها داشته است، تمکن مالی پدر مجتهد امین و بودن مادر مشوق در علم و ایمان توانسته اند بود که این بانو را به عرصه ای مختلف علمی و معنوی برساند. و همچنین شه‌یده بنت الهدی با همراهی برادر خویشت توانسته بود خود را در همه ابعاد علمی معنوی و سیاسی بسازد. شه‌یده بنت الهدی خواندن و نوشتن را در خانه از مادرش آموخت. مادر اولین معلمی بود که او را با ساغر محبت سیراب کرد و آن گاه ساقی جام های علم و معرفت او شد. مادرش هم‌یشه ذکاوت و استعداد تعلیم و تعلم او را می‌ستود و از فهم و احاطه ذهنی او تعریف می‌کرد و می‌گفت: هرچی‌زی که به او یاد می‌دهم فراموش نمی‌کند. شخصیت علمی و دینی این بانو با راهنمایی های او، به درجات متعالی کمال و پره‌ی‌زگاری و علم و شناخت نایل گردید. این بانو از نخستین روزهای حیات خویشت تا پیش از شهادت وجود خود را به علم و تهذیب اسلامی آراسته بود. فرهنگ علمی و تربیتی او افق های وسیع و همه جانبه ای داشت. در این مقاله از روش توصیفی تبیینی استفاده شده است. اگر خانواده ای به ابعاد مختلف

علمی، معنوی، اجتماعی و... فرزند دقت کندی تواند فرزند را به مقامات عالی برساند.

1- معصومه عبادی-ایمان سلطان‌ی، حوزه علمی ریحانه النبى (س) شادگان

گذری بر زندگانی مجتهد بانو

در عالم اسلام همواره زنان شایسته و متعهدی وجود داشته‌اند که در عرصه‌های مختلف فرهنگ و ادب و در جبهه‌های ایثار و تلاش، منشأ آثار و برکات فراوانی بوده‌اند.

با تکیه بر قرآن کریم و سنت نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و سیره معصومین (علی‌هم السلام)، ارج نهادن به زنان و ادای حقوق آنان، همواره موجب رشد و پیشرفت زنان مسلمان در جامعه اسلامی بوده و هست.

نمونه والای این زنان شایسته و والامقام در تاریخ اسلام شخصیت‌های ارجمندی مانند حضرت خدیجه، حضرت فاطمه زهرا، زینب کبری و سکینه بنت الحسین که درود خدا بر همه آنان باد، می‌باشند.

در مقاطع مختلف تاریخ اسلام نیز، زنان فداکار، عالم و متقی فراوانی وجود داشته‌اند که در عین کار و تلاش و تربیت صحیح نفس خویش، از رعایت جزیی‌ترین مسایل اخلاقی، غفلت نورزیده و در عین حال تربیت مردان شایسته روزگار را، به عهده داشته و مربی لایق و ارزشمندی برای جامعه بوده‌اند. در تاریخ اسلام به خصوص در مذهب شیعه، نمونه‌های بسیاری از این قبیل بانوان به چشم می‌خورد که از جمله آنها می‌توان به

مادر سی‌درزی و سی‌دمرتضی علم‌الهدی، دختر شیخ طوسی و نیز دختر ملا محمدتقی مجلسی، ی‌عنی آمنه بی‌گم و... اشاره نمود.

ابتلائات و آزمایش‌هایی که خداوند کریم برای صیقلی شدن و خالص گردیدن روح مطهر این بنده مقربش نمود، مسئله از دست رفتن فرزندان ایشان بوده است. چنان که هشت فرزندش به علل مختلف از قبیل بی‌ماری و... از دست رفتند و تنها یک پسر برایش باقی ماند. این مصائب نتوانست خللی در عزم و اراده این یگانه بانوی مجتهد و عارف به وجود آورد.

بزرگداشت و تجلیل از زنان نمونه مکتب اسلامی، وظیفه‌ای است که باید همواره در انجام آن کوشید. در این میان به جاست، نگاهی گذرا به شخصیت‌یک‌ی از اسوه‌های عالی‌قدر جامعه، که از مراتب علمی و عملی والایی برخوردار است و به حق، از مفاخر زنان دنیای اسلام است داشته باشیم و خاطره آن استوانه علم و تقوا را ارج نه‌یم.

این بانوی مجتهد بزرگوار و متواضع، سیده نصرت‌امین، نام دارد.

استاد دانشمند مرحوم آیة الله محمدتقی جعفری مقام علمی این بانو را این‌چنین توصیف نموده است:

«با توجه به آثار قلمی که از این خانم در دسترس ما قرار گرفته، به طور قطع می‌توان ایشان را از علمای برجسته عالم تشیع معرفی نمود، و روش علمی ایشان هم کاملاً قابل مقایسه با سایر دانشمندان بوده، بلکه با نظر به مقام عالی روحی، باید ایشان را در گروه نخبه‌ای از دانشمندان به شمار آورد

که به اضافه فراگرفتن دانش به تولد جدی در زندگی نایل می شوند.»

خانواده و اوضاع و احوال اجتماعی عصر ایشان

در باره آغاز زندگی و شروع به تحصیل این بانو آمده است: «حاجیه خانم سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایران) در سال ۱۲۶۵ ه.ش در اصفهان متولد شد. پدر ایشان حاج سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، فردی مومن و سخاوتمند و مادرشان بانویی بسیاریار شریف، متعبد و خیرخواه بود که خداوند پس از سه فرزند پسر، این دختر را به ایشان عطا کرد. مادر با روشن‌بینی در چهار سالگی، فرزند را برای آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن به مکتب می‌فرستد، در حالی که فضای حاکم بر آن ایام به گونه‌ای بود که کمتر خانواده‌ای به خود اجازه می‌داد که دخترش را برای کسب دانش به مکتب یا مدرسه بفرستد و چه بسیاری والدینی که آموزش و آشنایی با خط و نوشتن را برای دختران خود جایز نمی دانستند.

در حقیقت عظمت کار این بانو و تلاش‌های مستمر وی در آن زمان، بسیاری از درخور توجه است البته ایشان به دلیل این که اوقات زندگی‌شان به فراگیری درس و علم می‌گذشت، بیشتر در خانه بودند و کمتر از خانه خارج می‌شدند. ولی در ایامی که لازم می‌دیدند که باید دفاع صورت بگیری و کاری انجام شود، از منزل خارج می‌شدند و به تدریس و راهنمایی بانوان می پرداختند.

از دوران قاجار که بگذریم، دوره رضاخان تقریباً مقارن با اندیشه تجددخواهی و تبلیغات وسیع اسلام‌زدایی، خصوصاً در اصفهان بود. در آغاز این دوره، خانم امین ۳۵ ساله بودند و اصفهان هم در آن ایام حوزه‌های علمی‌بسیار داشت. این شهر بعد از تهران آماج فعالیت‌های تجددخواهی بعضی از بانوان، قرار گرفت.

روزی بعد از مطالعه کتاب‌های امام، ایشان فرمودند که: معرفت امام بالاست و عرفان ایشان به حد اعلای خود رسیده است. اگر کسی خواست، خدای ناکرده تهمتی بزند یا توهینی بکند، از قول من بگوید که بد می‌بینی. مبادا يك وقت خدای ناکرده توهین کنی. چون معرفت ایشان بالاست که می‌توانند این کارهای محی‌العقول را انجام بدهند.

مجری این فعالیت‌ها، خانم صدیقه دولت‌آبادی بود که می‌گفتند حتی ۱۵ سال قبل از جریان کشف حجاب، ایشان به طور رسمی، حجاب خود را برداشته بود. دولت‌آبادی، کانونی هم به نام «کانون بانوان» دایر کرده بود که بعد از برداشتن حجابش و ظاهر شدن در ملأ عام، مردم این کانون را آتش زدند. البته افرادی مانند خانم دولت‌آبادی کم نبودند. زنانی هم بودند که فکر کردند اگر در این گونه مراسم شرکت کنند، متجدد خوانده می‌شوند و عده‌ای هم به دلی‌ل مشاغلی که داشتند، به داشتن ملاقات و گفت و شنودهایی مجبور بودند.

يكی از دست‌پروردگان محفل پرفیض بانو امین در باب نظم، تدبیر و عظمت معنوی وی می‌گفت: «در مورد زندگی خانم امین باید بگویم که در تنظیم وقت، ابتکاری عجیب داشتند و

چنان اوقات خود را تنظی می‌کردند که به تمام کارهایشان می‌رسی‌دند، گویا خداوند به وقت ایشان هم، برکت داده بود. هرگز از حوادث نمی‌ترسی‌دند و در کارها به خدا توکل می‌کردند و از می‌همانان با خوشرویی و سادگی پذیری می‌کردند. می‌خواستند جوانان را بدون اجبار و با منطق، جذب اسلام کنند.»

اگر بخواهیم ایشان را وصف کنیم، شاید کتابها شود، اما زبان، یارای بیان و قلم، یارای نوشتن و کاغذ، گنجایش این توصیف را ندارد. باید از آثار بزرگ این بانو استفاده کرد تا بتوان به شخصیت ایشان پی برد.

شاگردان و دانش‌آموختگان

کلیه شاگردان و پرورش‌یافتگان محضر با برکتش، به جز جهات علمی و آنچه که مربوط به علوم قرآنی و دانش‌های الهی می‌شد، در درجه اول، درس معرفت می‌آموختند. رفتار و سلوک این بانوی مجتهد، مهم‌ترین مطلبی بود که آنان را جذب خود می‌نمود.

از دیگر درس‌آموختگان او گفته است: اولین برخورد من با ایشان مانند یک بی‌مار بود. در خودم خیلی احساس دردمندی می‌کردم، و احتیاج به طبیب حاذقی داشتم. بیانات و چهره ایشان برای من دارویی بسی‌ار موثر بود. همان طور که خودشان بیان می‌فرمودند، دارویی که طبیب می‌دهد تلخ است ولی شفای‌ش شیرین است. البته مسایلی، خیلی زیاد است. من برای‌شان از ناراحتی‌هایم گفتم و ایشان توجه پیدا کردند که من احتیاج به کمک دارم. ایشان قدرت تشخیص داشتند و با یک نگاه عمیق متوجه می‌شدند که طرف چه می‌خواهد، بعد به من پیشنهاد کردند

که اگر مایلی، کتاب (حقایق) فیض کاشانی را به تو درس بدهم، چون چندی مرتبه خودم این کتاب را مطالعه کرده‌ام و می‌دانم که خیلی برای شما مناسب است. من هم قبول کردم و درس شروع شد.

ایشان روی تحصیلات بالا تأکید داشتند. می‌فرمودند: علم با عمل، علم با تهذیب، علم با تزکیه. اگر علم بدون تزکیه شد، برای انسان غرور و حجاب می‌آورد، ممکن نیست که انسان بتواند صعود کند، سقوط، حتمی و صد در صد است. می‌فرمودند: «نفس را تزکیه کنی که بعثت انبیا به همین دلیل بوده است.»

یک روز خدمت ایشان رسیدم. گفتند برایم حمد بخوان. گفتم: من که قابل نیستم برای شما حمد بخوانم. فرمودند: بخوان تا قلب من روشن شود. من کنار تختشان نشستم و دستشان را گرفتم و شروع به خواندن هفتاد مرتبه حمد کردم. همین طور که حمد می‌خواندم در خود فرو رفته بودم که من قابلیت ندارم، خودشان منبع عرفان و شناخت و موحد حقیقی هستند. ناگهان نگاهم به بیرون افتاد. درختان را شاهد گرفتم و گفتم: خدایا تو می‌دانی، در قیامت، تمام این درختان شهادت می‌دهند که این شخصیت که اکنون در این بستر افتاده است در شبانه روز چقدر با خدا مناجات داشته است. بعد از این احساس کردم که همه درختان حمد می‌گویند. بدنام شروع کرد به لرزیدن.

آنچه را مشاهده کرده بودم به حاج خانم گفتم. آهی کشیدند، دست روی قلبشان گذاشتند و فرمودند که حالم خوب شد

و احساس آرامش می‌کنم. سپس «انا انزلناه» را خواندند و از جا برخاستند و فرمودند که: «قلبیت تا اندازه‌ای روشن شده است، مواظب باش آن را کدر نکنی.» ایشان بسیاری از متواضع و فروتن بودند، و با مهربانی و دلسوزی، دلشان می‌خواست به همه کمک کنند، کمک فکری، کمک علمی و کمک اخلاقی.

ایشان روی تحصیلات بالا تاکید داشتند. می‌فرمودند: علم با عمل، علم با تهذیب، علم با تزکیه. اگر علم بدون تزکیه شد، برای انسان غرور و حجاب می‌آورد، ممکن نیست که انسان بتواند صعود کند، سقوط، حتمی و صد در صد است. می‌فرمودند: «نفس را تزکیه کنی که بعثت انبیا به همین دلیل بوده است.»

نسبت ایشان با سی واسطه به امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) می‌رسید. وی در بیان مقام و موقعیت خاندان عصمت و طهارت و منزلت و جایگاه آنان تلاش می‌کرد، به طوری که عشق و علاقه‌اش به مقام والای ولایت در کتاب «مخزن اللئالی فی مناقب مولی الموالی حضرت علی (علیه السلام)»، روشنگر این حقیقت است.

بانو امین و انقلاب اسلامی

بانو امین، از شیفتگان و معتقدان به انقلاب اسلامی ایران و رهبری عظیم الشان آن بود. در این مورد یکی از شاگردان ایشان آورده است: «در سال ۵۹ که حاجیه خانم امین، اصلاً نمی‌توانستند از منزل خارج شوند، از طریق تلویزیون در جریان انقلاب قرار داشتند، زمانی که امام (ره) از تلویزیون

سوره حمد را تفسیر کردند، شیفته بیان و مطالب امام شده بودند. به همین علت، به مطالعه آثار امام پرداختند.

نسبت ایشان با سی واسطه به امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) می‌رسید. وی در بیان مقام و موقعیت خاندان عصمت و طهارت و منزلت و جایگاه آنان تلاش می‌کرد، به طوری که عشق و علاقه‌اش به مقام والای ولایت در کتاب «مخزن اللئالی فی مناقب مولی الموالی حضرت علی (علیه السلام)»، روشنگر این حقیقت است.

آثار و کتابهای بانوی اصفهانی

آثار و کتابهای قلمی به جامانده از بانو امین بانوی ایران عبارتند از:

- 1- تفسیر قرآن مجید بهنام «مخزن العرفان» در ۱۵ جلد.
- 2- «نفحات الرحمانیه»، به زبان عربی مشتمل بر ۹۶ عنوان.
- 3- «سیر و سلوک» که در روش اولی و طریق سیر سعاد است.
- 4- «معاد» یا آخرین سیر بشر.
- 5- روش خوشبختی و توصیه به خواهران دینی و ایمانی.
- 6- «اربعین هاشمیه» به زبان عربی مشتمل بر مسایل و احکام.
- 7- «جامع الشتات» به زبان عربی مشتمل به مسایل و احکام.
- 8- «اخلاق» که در بسیاری از محافل علمی و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود.

9- «مخزن اللئالی» که در فضایل حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) است.

بانو امین در پاسخ سوالی در رابطه با این که در عصر حاضر بهترین‌ها برای زنان چیست، اینگونه پاسخ دادند:

«در موقعیت امروز، آنچه برای زنان در درجه اول مورد اهمیت قرار دارد این است که، با نفس و دمخواهی‌های خود در مورد زر و زیور و طرز لباس پوشیدن خود و به مدل‌های گوناگون درآمدن، مبارزه کنند.

یکی از درس آموختگان او گفته است: اولین برخورد من با ایشان مانند یک بی‌مار بود. در خودم خیلی احساس دردمندی می‌کردم، و احتیاج به طبیب حاذقی داشتم. بی‌انات و چهره ایشان برای من دارویی بسیار موثر بود. همان طور که خودشان بی‌ان می‌فرمودند، دارویی که طبیب می‌دهد تلخ است ولی شفای‌ش شیرین است.

در آن زمان، رضاخان آرمان‌های جدی و کاذبی داشت و ای‌دئولوژی مخصوص خودش را ترویج می‌کرد. مثلاً در مورد تجددخواهی، در باره ناسیونالیسم افراطی که این ناسیونالیسم افراطی را برد و اصل تحقیر فرهنگ و محو آثار تمدن اسلامی و همچنین برگشت به ایران قبل از اسلام قرار داده بود. اتفاقاً در همین زمان بود که خان مامین از نام مستعار «بانوی ایرانی» استفاده کردند.

اینطور استنباط می‌شود که چون رضاخان می‌خواست زنانی را به قبل از اسلام برگرداند و آن هوی و اصالت را به آن

دوران نسبت بدهد، خانم امین خواستند بگویند که بانوی ایرانی این زمان، بانویی است که از اسلام و دوران اسلام، زندگی نوین و واقعی خود را شروع کرده است. یعنی دوران قبل از اسلام، هویت و اصالتی نداشته است، ولی از زمانی که اسلام به ایران وارد شد و ایرانیان مسلمان شدند، هویت اصلی و واقعی زن ایرانی شکل گرفته است. بنابراین، ایشان در مقابل ناسیونالیسم افراطی رضاخان، خودشان را بانوی ایرانی لقب دادند.

در آن دوران سخت حاکمیت، که دیکتاتوری رضاخان برای زدودن ارزشهای اسلامی و احکام قرآنی، قد علم نموده بود، این بانوی بزرگوار در عین تحصیل و تدریس، به دفاع از معیارها و موازین شرعی پرداخت. سال ۱۳۱۰ مقدمه کشف حجاب بود و سال ۱۳۱۱ کنگره زنان شرق که دولتآبادی در آن شرکت داشت برگزار شد و بعد کشف حجاب به طور رسمی صورت گرفت. می گویند در همین موقع بود که خانم امین، کتاب «روش خوشبختی» را نوشته است.

در جایی از آن با ذکر این که «همانگونه که اگر عضوی از اعضای بدن به بیماری مبتلا شود سایر اعضا سالم نمی ماند» این تأثیری پذیری را متذکر می شود. در این کتاب آمده است که اگر زنان يك جامعه، که از ارکان آن هستند، فاسد بشوند، جامعه ای را به فساد می کشند، مخصوصاً اگر فساد یا گناهشان علنی باشد.

بانو امین پس از آن که صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، حدیث، فقه، اصول و فلسفه را آموخت، به مطالعات خود در سطوح

عالیه ادامه داد تا به درجه اجتهاد رسید. جدیت وی در امر تحصیل به حدی بود که می‌فرمود: «هیچ چیز نمی‌تواند کلاس درس را تعطیل کند، حتی مرگ فرزند.» یکی از اساتید بانو امین، مرحوم آیت الله حاج میرسید علی نجف آبادی نقل کرده است: «روزی شنیدم فرزند ایشان فوت شده است، فکر کردم، خانم دیگری درس را تعطیل خواهد کرد، ولی برعکس، دو روز بعد کسی را به سراغم فرستاد که برای تدریس به منزل ایشان بروم و من از این علاقه ایشان به درس و تحصیل، سخت تعجب کردم.»

ابتلائات و آزمایش‌هایی که خداوند کریم برای صیقلی شدن و خالص گردیدن روح مطهر این بنده مقربش نمود، مسئله از دست رفتن فرزندان ایشان بوده است. چنان که هشت فرزندش به علل مختلف از قبیل بی‌ماری و... از دست رفتند و تنها یک پسر برایش باقی ماند. این مصائب نتوانست خللی در عزم و اراده این یگانه بانوی مجتهد و عارف به وجود آورد و این نشانگر آن است که اگر زنان قدم در راه کمال و تعالی زنند و خدا را ناظر اعمال خویش و مالک همه هستی و دارایی‌های خویش بی‌ابند، حتی در فقدان فرزندان نیز عنان اختیاری از کف نمی‌دهند و متانت و صبوری که در خور انسان خلیفه الله است پیشه می‌سازند.

«در مورد زندگی خانم امین باید بگویم که در تنظیم وقت، ابتکاری عجیب داشتند و چنان اوقات خود را تنظیم می‌کردند که به تمام کارهایشان می‌رسیدند، گویا خداوند به وقت ایشان هم، برکت داده بود. هرگز از حوادث نمی‌ترسیدند و در کارها به خدا توکل می‌کردند و از می‌همانان با خوشرویی و سادگی

پذیری می‌کردند. می‌خواستند جوانان را بدون اجبار و با منطق، جذب اسلام کنند.»

گفته‌اند در جریان جنگ جهانی اول دو فرزند کوچک ایشان به فاصله چند روز فوت کردند. بدین مناسبت استادشان آیه الله نجف آبادی سه روز درس را تعطیل می‌کنند و به خانه‌شان نمی‌روند؛ روز چهارم بانو امین به دنبال استاد می‌فرستند و وقتی ایشان می‌آیند، علت تعطیلی درس را جویا می‌شوند.

آیه الله نجف آبادی می‌گویند که من شرمم می‌شود که بچه‌تان تازه از دنیای رفته برای درس بی‌ایم و خانم امین پاسخ می‌دهند: من پیش خدا شرمم می‌شود که سه روز است چیزی نخوانده‌ام. خدا يك چیزی به من داد خودش هم گرفت.

اخذ در اجتهاد و تائید مراجع عظام

او بی‌شتر علوم را در خانه و نزد علامه آیت الله سی‌دمحمد علی نجف آبادی و شیخ مرتضی مظاهری فرا گرفت.

آیت الله آقا سی‌دمحمد علی نجف آبادی از اساتید برجسته‌ی بانو امین که این مجتهد گرانقدر، فقه و اصول و حکمت را نزد وی خوانده بود، گفته است: «حکمت را دایم به من درس داد و یکی نیست که من به او درس بدهم. من می‌خواهم به این خانم درس بدهم که از من یادگیری باقی مانده باشد.» زمانی که بانو امین اولین کتاب خود را به نام «اربعین هاشمی» نوشت و کتاب، به حوزه علمیه نجف رسید و علما از آن استقبال کردند، آیت الله آقا سی‌دمحمد علی نجف آبادی در تکمیل تشویق‌های علما گفتند: «بانو امین هر چه در این کتاب نوشته

اند از تراوشات فکری خودشان بوده و ربطی به تعلیمات من ندارد.»

ایشان به دلیلی این که اوقات زندگی‌شان به فراگیری درس و علم می‌گذشت، بیشتر در خانه بودند و کمتر از خانه خارج می‌شدند. ولی در ایامی که لازم می‌دیدند که باید دفاع صورت بگیری و کاری انجام شود، از منزل خارج می‌شدند و به تدریس و راهنمایی بانوان می‌پرداختند.

سیده نصرت امین مجتهد، توسط تعدادی از آیات عظام و مراجع عظمی‌الشان زمان خود به اخذ درجه اجتهاد و روایت نایل گردید که برخی از آنان عبارتند از مرحومان: آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (موسس حوزه علمیه قم)، آیت الله العظمی آقا سید محمد کاظم شیرازی، آیت الله ابراهیم حسینی شیرازی اصطهباناتی، آیت الله شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی، حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ مرتضی مطهری نجفی اصفهانی.

مقام شامخ علمی و معنوی این بانوی فرزانه از اجازه روایت آیت الله شیخ محمدرضا نجفی به خوبی استنباط می‌شود که در باره وی فرموده است: «به این سیده دانشمند و شریف، گوهر گرانقدر مستور، گل سرسبد باغ فرزندان زهرای اطهر، بانوی فرزانه، حکیم و عارف کامل... اجازه دادم که روایت کند از من، هر چه را که روایتش برای من صحیح است از کتب تفسیری و ادعیه و حدیث و فقه.»

نتیجه آن همه تلاش و کوشش علمی، که زمینه‌ی آن را تقوای علمی و زهد آن بانوی پرهیزگار فراهم کرده بود به طوری که حتی دانشمند بزرگ، فقیه اهل بیت و رجال عظمی‌الشان، آیت الله

العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی، از خانم امین، درخواست اجازه روایت نمود و ایشان در قسمتی از این اجازه نامه که به تاریخ اول محرم الحرام ۱۳۵۸ ه. ق جهت آیت الله مرعشی نوشته، چنین آورده است: «پس از استخاره به ایشان اجازه دادم که روایت کند از من هر چه را که روایتش برای من صحیح است از کتب تفسیری و ادعیه و حدیث و فقه و غیره، اینها که از تالیفات شیعه، آنچه اصحاب، از غیری شیعه روایت کرده اند، به جمیع طرقی که معلوم و در خود مضبوط است.»

«با توجه به آثار قلمی که از این خانم در دسترس ما قرار گرفته، به طور قطع می‌توان ایشان را از علمای برجسته عالم تشیع معرفی نمود، و روش علمی ایشان هم کاملاً قابل مقایسه با سایر دانشمندان بوده، بلکه با نظر به مقام عالی روحی، باید ایشان را در گروه نخبه‌ای از دانشمندان به شمار آورد که به اضافه فراگرفتن دانش به تولد جدی در زندگی نایل می‌شوند.»

همچنین شخصیتهایی چون آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله علیه و مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله علیه، با توجه به مقام علمی و عرفانی خانم امین، محضر درس او را مایه فیض و افاده می‌دانستند.

بانوی ایرانی و نیازهای اجتماعی عصر ایشان

این بانوی مجتهد، نه تنها در مسایل علمی و عملی بلکه در توجه به نیازهای جامعه نیز بسیاری از دقایق بود، طوری که اخلاق و رفتارش در شاگردانش تأثیر عمیقی داشت. وی دانشگاهی در اصفهان به نام پر برکت «مکتب فاطمیه» تاسیس نمود که

تشنگان علم و دانش از آن سیراب می‌گشتند و جا دارد که بگوییم از این مکتب، دانش‌پژوهانی پرورش یافتند که بسیاری از آنان اینک صاحب تالیفات و آثار پر ارجی هستند.

آن چه شاگردان این بزرگوار نقل قول کرده‌اند این است که: «ایشان در عین تواضع و سادگی، دارای جاذبه معنوی و ابهت خاصی بود. کتاب "روشن و شبختی" را به زبان ساده و شی‌ری و دلپذیر به عنوان زیربنای معتقدات اخلاقی، تدریس می نمود، تمام زندگی‌اش در امر تعلیم و تربیت و تحقیق و تالیف و حفظ مکتب، خلاصه شده بود. از جمله ابعاد شخصیت این بزرگوار، دیانت و اعتماد به نفس بود و به همین دلیل است که پرورش یافتگان او از این فضای معنوی بهره‌مند می‌شدند. دانش را ره‌گشای حیات بشر می‌دانست و عقیده داشت که باید از گنجینه‌های گرانقدر بشر استفاده نمود. عشق و علاقه او به قرآن کریم در قالب زبان و بیان نمی‌گنجد و تفاسیر مخزن العرفانش در پانزده مجلد، خود دلیلی این اشتیاق است.»

موقعیت علمی و عرفانی ایشان به آنجا رسید که اکابر و اعظامی از علما و عرفا، حضور در محضر ایشان را مایه فیض می‌دانستند. وی از نظر مقام، تنها بانوی مجتهد عصر خود قرار گرفت و علما و افراد بسیاری از کشورهای اسلامی برای ملاقات و گفتگو نزد ایشان می‌آمدند. علمای معاصر از جمله آیت الله مرعشی نجفی، علامه آیت الله سی‌دمحمدحسین طباطبایی، استاد محمدتقی جعفری و اساتید حوزه و دانشگاه نیز، با ایشان ارتباط علمی داشتند.

بانوی مجتهد، سیده نصرت امین، خود نمونه‌ای از فضیلت‌ها بود و به بسیاری از چشمه‌های جوشان علم و معرفت دست یافت و سراسر عمر پر برکتش را صرف تحصیل و ترویج دین‌جوش نمود و آثار گرانقدری را در ابعاد دینی، علمی، ادبی، فقه و اصول، عقلی و نقلی و اخلاق، از خود به یادگار گذاشت.

این حکیم الهی و عارف به نفحات رحمانی، نابغه دوران و مجتهد زمان، پس از یک عمر خدمت خالصانه و صادقانه، در بیست و سوم خردادماه ۱۳۶۲ مطابق با اول ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۳ هـ. ق سر در نقاب خاک کشید و به جوار رحمت الهی شتافت. یاد و خاطره‌اش جاودان و گرامی باد.¹

"شهی‌ده بنت‌الهدی برای تأسیس این مدارس ملی رسمی، که تحت پوشش قوانین حکومتی بودند، تلاش فراوانی کرد و بیش از دو ماده درسی نیز برای تربیت دختران در این مدارس به سایر مواد درسی اضافه نمود و بانوان شیعه معلمه‌ای را، که دارای کفایت علمی و مزایای خاص بودند و به شئون اسلامی التزام داشتند، بر این کار گماشت تا اسوه و الگوی دختران قرار گیرند و نام این مدارس را «مدارس الزهراء» گذاشت. هدف حقیقی بنت‌الهدی از حلقه‌های تدریس که در خانه‌اش تشکیل می‌داد، فقط پرورش و تعلیم طلبه نبود، بلکه هدف وی این بود که ایشان را برای تحمل مسئولیت ادامه این راه در آینده آماده نماید و چنان توانایی علمی در ایشان ایجاد کند که بتوانند بر ایجاد حوزه‌های علمی بانوان قدرت پیدا کنند و بتوانند به نشر فرهنگ و تعلیمات اسلامی بپردازند. آنچه این حقیقت را تأیید می‌کند نام مستعار «بنت‌الهدی» بود که شهی‌ده

¹ منبع: tebyan.net

سعی ده آمنة صدر برای خود انتخاب کرده بود؛ میخواست از شهرت و ری و حب ذات دوری گزیند، در حالی که در نوشتن اسم حقیقی او، هیچ اشکال شرعی و عرفی وجود نداشت و حتی انتخاب این اسم به خاطر مشکلات امنیتی نیز نبود؛ زیرا تشکیلات نظارت بر مطبوعات مجوز نشر را فقط با نام حقیقی افراد صادر می کرد و تنها سبب گزینش این نام آن بود که وی ناشناس باقی بماند و از شهرت دوری گزیند.

خاندان بنت الهدی

شهیده آمنة بنت الهدی صدر، بانوی مجاهد و خواهر باوفای شهید آیت الله محمدباقر صدر از معدود زنان مسلمان خاورمیانه بود که در راه دین، اندیشه و اصلاح جامعه خود از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. او همانند برادرش از طرفداران امام خمینی (ره) بوده و به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، کوشید تا موج های انقلاب اسلامی را در عراق گسترش دهد و در این راه همپای برادرش از بذل مال و جان خویش دریغ نکرد و تا آن جا پیش رفت که تحمل وجودش برای رژیم بعث عراق دشوار شد و درنتیجه او را دستگیری کرده و پس از شکنجه های فراوان در 19 فروردین 1359 به شهادت رساندند.

آمنة صدر ملقب به بنت الهدی فرزند سید حیدر در محرم 1356 قمری (اسفند ۱۳۱۶) در شهر کاظمین به دنیا آمد. خانواده اش اهل علم، جهاد و تقوا بوده و طی چندین نسل از رهبران سیاسی و مذهبی عراق به شمار می رفتند. نسب پدری اش باچند واسطه به سید رضی جامع نهج البلاغه و در نتیجه به امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می رسید و مادرش فرزند شیخ عبدالحسین آل یاسین از عالمان بزرگ زمانه خود بود. این

نوزاد تازه متولد شده، هفتمین و تنها دختر خانواده سیدی حیدر بود؛ چرا که شش خواهرش پیش از تولد او از دنیا رفته بودند و دو برادر به نام‌های سید محمدباقر و سید اسماعیل داشت که پس از وفات پدر، سرپرستی و تربیت آمنه شش ماهه را به عهده گرفتند.

علم و دانش

بنت‌الهدی خواندن و نوشتن را در خانه و نزد مادر، که نخستین آموزگارش بود، آموخت. مادرش همیشه ذکاوت و استعداد تعلیم و تعلم او را می‌ستود و می‌گفت هرچیزی که به او یاد می‌دهم فراموش نمی‌کند.

رفتار او در کودکی شباهتی به هم‌سن و سالانش نداشت؛ پیش از آن که با کودکان هم‌سن و سال خود مشغول بازی شود، با بزرگ‌ترها هم‌صحبت بود و دغدغه‌های ذهنی او فراتر از سنش بود. یازده ساله بود که به همراه دو برادر خود، به نجف هجرت کرد و در آن‌جا نخست مقدمات و سپس دروس خاص را نزد برادر فراگرفت و علاوه بر علوم دینی به فراگیری علوم نوین نیز پرداخت.

گفتنی است که در آن زمان بزرگان علمای نجف برای زنان جلسات دروس حوزوی به ویژه فقه و اصول تشکیل نمی‌دادند، اما بنت‌الهدی از این مرز گذر کرد و صرف، نحو، اصول، فقه، حدیث، اخلاق، تفسیر و سیره را نیز در محضر برادر آموخت. وی با علوم عربی کاملاً آشنا شد تا آن‌جا که توانایی شعر گفتن نیز پیدا کرد.¹ در دوازده سالگی مجله (روزنامه دی‌واری) فرهنگی دینی «جامعه» را برای زنان

¹ - بی‌نام، شه‌یده بنت‌الهدی صدر در عرصه تعلیم و تعلم، ترجمه فرشته شهربابی و غزاله مهر آیین، فصلنامه بانوان شیعه، سال دوم، بهار 1384، شماره 3، ص 233.

مسلمان نوشت¹ و 14 ساله بود که قصه‌ها و داستان‌هایی برگرفته از واقعیات نوشت و ضمن خطاب قرار دادن دختران جوان، پرده از واقعیات اسفباری برداشت که امت اسلامی در آن به سر می‌برد. او همچنین رواج بی‌حجابی و بی‌بند و باری را به عنوان نشانه‌های نفوذ اندیشه غرب مورد انتقاد قرار می‌داد.²

در ادامه، بنت‌الهدی برای ارتقای فرهنگ اسلامی، مداری به نام الزهرا(س) را در شهرهای کاظمین و نجف مدیری کرد و به تربیت دختران و زنان مسلمان پرداخت. همچنین وی علاوه بر تأسیس یک مرکز فرهنگی در شهر کاظمین و برگزاری جلسات

فکری و مذهبی، به تهیه مقالات و ایراد سخنرانی‌هایی در زمینه اسلام پرداخت؛ بیشتر این مقالات در مجله الاضواء الاسلامیه چاپ می‌شد و بانو آمنه یکی از بارزترین نویسندگان این مجله بود (مجله الاضواء توسط جمعی از علمای نجف منتشر می‌گردید و فقط مطالب برگزیده و ممتاز در آن درج می‌شد).³

برخی از مقالات وی نیز در مجله ایمان که به وسیله مرحوم شیخ موسی یعقوبی منتشر می‌شد، به چاپ می‌رسید.

بنت‌الهدی علاوه بر مقالات، کتاب‌های متعددی نیز به رشته تحریر درآورد و در آنها معارف اسلامی را به روش‌های مناظره و موعظه، پرسش و پاسخ و... نقل کرد؛ کتاب‌های "ای کاش می‌دانستم"، "در جستجوی حقیقت"، "در جستجوی خوشبختی"،

¹ - بی‌نام، پیام آور بی‌داری: بنت‌الهدی در آئینه خاطرات منتشر نشده خانواده شهید صدر، ترجمه عبدالکریم زنجانی، شاهد ایران، اردیبهشت 1386، شماره 1، ص 103.

² - بی‌نام، پرتوی از زندگی بانوی شهید بنت‌الهدی، ترجمه غلامرضا جمشید نژاد اول، رشد معلم، اردیبهشت 1364، شماره 2، صص 44-45.

³ - شهیده بنت‌الهدی صدر در عرصه تعلیم و تعلم، همان، ص 234.

"دو زن و یک مرد"، "دی‌دار در بی‌مارستان"، "دی‌دار عروس"، "سایه‌هایی در پی خورشید"، "ستی‌ز"، "سرنوشت دو خواهر"، "شخصیت زن مسلمان"، "فرجام نی‌ک"، "زن در زندگی پی‌امبر اکرم"، و "عشق و هوس"؛ برخی از این آثار هستند که به فارسی ترجمه شده‌اند.¹ این آثار بیشتر به صورت داستان و رمان‌های نیمه‌بلند بوده و ترسیم‌کننده وضعیت فرهنگی و اجتماعی فاسد عراق هستند؛ بانو در کتاب "عشق و هوس" به نقل از نساء (یکی از شخصیت‌های داستان) می‌نویسد: «بی‌توجهی به دین و ارزش‌های اسلام، اطرافیان ناباب و جامعه آلوده و... دست به دست هم داده بودند تا محیط را برای کسی که کمی گرایش به انحرافات را داشت آماده کنند...»²

بدین ترتیب شه‌ی‌ده بنت‌الهدی با شعر و داستان، نمونه‌زنده و واقعی زن مسلمان را در چگونگی مواجهه با جامعه فاسد ترسیم کرد و با سلاح علم و قلم، تلاش جدی برای هدایت زنان عراق آغاز کرد؛ تلاشی که او را پرچمدار حرکت اسلامی‌زنان در عراق کرد. یکی از زنان مجاهد عراقی در این باره می‌گوید: «بنت‌الهدی آگاهی را در میان زنان بالا برد و حجاب را رواج داد و باعث شد تا دیدگاه‌های جامعه درباره زن و دیدگاه‌های زنان درباره اسلام تغییری کنند...»³

اخلاق

شه‌ی‌ده بنت‌الهدی اخلاقی نی‌کو و معاشرتی پسندیده و گرمی بیش از حد نسبت به درماندگان داشت، به تحصیل‌کرده‌ها

¹ -مشتاق الحلو، زن در اسلام: پرتویی از اندیشه شه‌ی‌ده بنت‌الهدی صدر، نشر عابد، تابستان 1379، صص 74-76.

² -بنت‌الهدی صدر، عشق و هوس، ترجمه مریم جلالی، نشر فرهنگ سبز، تابستان 1383، ص 153.

³ -بنت‌الهدی صدر، زن در زندگی پی‌امبر اکرم، ترجمه محمود شریفی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1382، ص 4.

اهمیت زیادی می‌داد؛ چراکه معتقد بود طبقه تحصیلی‌کرده در نسل آینده تأثیر بیشتری دارد، با این حال برخورد یکسانی با همه داشت. هدایت‌گر، صمیمی و عفی‌ف بود. یکی از زنان مجاهد عراقی می‌گوید: «...به طور کلی چهره متکامل اسلام را در این شهید بزرگوار می‌دیدم. نهایت‌ایثار در او متجلی بود. آگاهی بخشی‌دن به دیگران را وظیفه شرعی و واجب خویش می‌دانست... شخصیت وی در دل‌ها نفوذ عمیقی داشت»¹

زهد و ساده‌زیستی، اخلاص، صداقت کامل در تبلیغ دین و عبادت‌های طولانی؛ از دیگر خصوصیات است که اطرافیان او در بی‌ان‌ویژگی‌های اخلاقی بنت‌الهدی بی‌ان کرده‌اند؛ «در ادای فریضه نماز عادت خاصی داشت، وضو را طولانی می‌کرد... بسیاری از اوقات قرآن را ختم می‌کرد...»²

جهاد و مبارزه بنت‌الهدی

تبلیغ سیاسی شهیده بنت‌الهدی تا قبل از دستگیری برادر شهیدش آیت‌الله سید محمدباقر صدر مخفیانه بود، اما از آن زمان به بعد، حرکت جهادی وی آشکارا انجام گرفت. آیت‌الله شهید صدر در طول مبارزه جهادی خود، سه مرتبه دستگیر و آزاد شد و نهایتاً در مرتبه چهارم به شهادت رسید. در هر مرتبه، خواهرش بنت‌الهدی یاور و حامی او بوده و او را تنها نگذاشت.

در جریان اولین دستگیری، (رجب 1392ق) نیروهای امنیتی رژیم بعث به منزل شهید صدر یورش بردند، اما کسی جز مادر، همسر، فرزندان و خواهرش بنت‌الهدی را در آن جا نیافتند؛ چراکه خود شهید در بیمارستان نجف بستری بود. در این هنگام

¹ - شهیده بنت‌الهدی صدر در عرصه تعلیم و تعلم، همان، ص 232

² - پیام آور بیداری: بنت‌الهدی در آئینه خاطرات منتشر نشده خانواده شهید صدر، همان، ص 104.

شهی‌ده علاوه بر آنکه از فرزندان برادر محافظت کرد، قاطعانه در مقابل آنها ایستاده و بدون توجه به محاصره و مخالفت‌های آنها، از خانه خارج شده، به عیادت برادر شتافت. پس از این ماجرا بود که نام شهی‌ده بنت‌الهدی نیز وارد پرونده‌های اداره امنی‌ت عراق شد.

پنج سال بعد و در جریان قیام حماسی صفر 1397ق، شهی‌د صدر برای بار دوم دستگیر شد و این مسئله بنت‌الهدی را نسبت به جریان‌های سیاسی حساستر کرد؛ وی تا زمان آزادی و بازگشت برادر، شجاعت و صبر شگفت‌انگیزی از خود نشان داد.

دستگیری سوم شهی‌د صدر در رجب 1399ق اتفاق افتاد و تبلیغ سیاسی شجاعانه بنت‌الهدی را به دنبال داشت. این بار نیروهای امنیتی مجهز به سلاح‌های گوناگون، خیابان‌های اطراف منزل ایشان را محاصره و آیت‌الله صدر را دستگیر کردند و به طرف خودروی مدیر اداره اطلاعات بردند. بنت‌الهدی که پیش از آنان خود را به خودرو رسانده بود، سخنرانی زینب‌گونه خود را خطاب به مزدوران تا بن دندان مسلح حکومت بعث بیان کرد: «الله اکبر... الله اکبر، نگاه کنی‌د! برادرم تنها و بدون سلاح بدون توپ و مسلسل است؛ اما شما صدها نوع سلاح در اختی‌ار داری‌د، آیا از خود پرسیده‌اید چرا این‌ای همه نی‌رو و این همه سلاح را در اختی‌ارتان قرار داده‌اند؟» سپس اندکی مکث کرد و ادامه داد: «من پاسخ می‌دهم: به خدا سوگند، چون شما می‌ترسید، چون وحشت دل‌های‌تان را پر کرده است... چون می‌دانید برادرم تنها نیست و تمام مردم عراق همراه او هستند... اگر چنی‌ن نبود صبح به این زودی را برای بازداشت برادرم انتخاب نمی‌کردی‌د. آیا ادعا می‌کنی‌د مردم با شما

هستند و در حزب‌تان عضویت دارند؟ ... چه کسی را فریب می‌دهی؟ خودتان را یا مردم را؟ ما به خدا از هیچ‌چیز نمی‌ترسیم، نه از شما و نه از غی‌ر شما، نه از زندان‌هایتان می‌ترسیم نه از بازداشتگاه‌هایتان، ما از مرگی که در راه خدا باشد استقبال می‌کنیم...» در پای‌ان بنت‌الهدی رو به برادرش کرده و گفت: «ای برادر! برو که خدا حافظ و نگهدار توست و این راه، راه پدران پاک‌باخته توست.»¹

پس از دستگیری برادر، شه‌یده بنت‌الهدی تکبیرگویان به حرم امیرمؤمنان علی علیه‌السلام رفته رو به مردم فریاد برآورد: «ای مؤمنان شرافتمند! آیا مهر سکوت بر لبانتان می‌زنی در حالی که مرجعتان بازداشت شده است؟ آیا سکوت می‌کنی در حال آنکه پی‌شوایتان به زندان افتاده و شکنجه می‌شود؟ فردا اگر جدم امیر مؤمنان درباره سکوت و بی‌تفاوتی‌تان سؤال کند، چه جوابی خواهی‌د داشت؟...» و سپس مردم را به بسیج در برپایی تظاهرات و درخواست آزادی رهبر و مرجع تقلیدشان دعوت کرد.²

با رسیدن خبر دستگیری شهید صدر به گوش علما و مردم، راهپیمایی زنان و مردان به پا و در نهایت آیت‌الله صدر پس از تهدید و شکنجه، آزاد شد. از آن به بعد دوران حصر و بازداشت خانگی شروع شد و تلاش‌های رژیم بعث در ارباب و دستگیری مردم و علما به شدت گسترش یافت.

حصر خانگی آن قدر ادامه یافت که همه مواد غذایی در

¹ - بی‌نام، واپسین فصل از حیات مبارزاتی شه‌یده بنت‌الهدی صدر: فراتر از باور، ترجمه مهرداد آزاد، شاهد ایران، بهمن 1386، شماره 2، ص83.

² - همان، ص84.

خانه تمام شد و مأموران امنیتی از ورود مواد غذایی به خانه جلوگیری می‌کردند، آب و برق خانه قطع شده بود و هیچ‌کس نمی‌دانست این وضع تا کی ادامه پیدا می‌کند. در چنین شرایطی که هر لحظه انتظار مرگ یکی از اعضای خانواده (به خصوص کودکان) می‌رفت، بنت‌الهدی همچنان محکم پشت برادر ایستاده بود و ضمن پرستاری از کودکان، فضای روحی خانه را آرام می‌کرد. او همچنین با درایت فراوان حصر خانگی را شکسته، به حرم امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌رفت و در آنجا پیام‌های شهید صدر و اوضاع خانواده را بازگو می‌کرد، اما مردم واکنشی جز ترس نشان نمی‌دادند.

شهادت

در نهایت با فراهم شدن شرایط، نیروهای امنیتی رژیم بعث در اواسط جمادی‌الاول 1400 ق. برای آخرین بار و به منظور اعدام، آیت‌الله صدر را دستگیری کردند. آنها این بار راه تکرار بر خطر بستند و فردای آن روز بنت‌الهدی را نیز دستگیری کرده به زندان بغداد منتقل کردند. این خواهر و برادر شکنجه‌های بسیاری را در آنجا تحمل کردند تا آنجا که حتی اعضای بدن بنت‌الهدی را در جلو چشمان برادرش بریدند، اما آنها از راه استوار خود بازنگشتند و نهایتاً در 23 جمادی‌الاول (19 فروردین 1359 ش) به ضرب گلوله شخص صدام حسین به شهادت رسیدند. روح شان شاد و راهشان پر رهرو باد.¹

¹ منبع: banooyeirani.ir

منابع و مآخذ

- 1- بی نام، شه‌یده بنت‌الهدی صدر در عرصه تعلیم و تعلم، ترجمه فرشته شهرابی و غزاله مهر آیین، فصلنامه بانوان شیعه، سال دوم، بهار 1384، شماره 3.
- 2- بی نام، پیام آور بی‌داری: بنت‌الهدی در آئینه خاطرات منتشر نشده خانواده شه‌ید صدر، ترجمه عبدالکریم زنجانی، شاهد یاران، اردی‌بهشت 1386، شماره 1.
- 3- بی نام، پرتوی از زندگی بانوی شه‌ید بنت‌الهدی، ترجمه غلامرضا جمشید نژاد اول، رشد معلم، اردی‌بهشت 1364، شماره 2.
- 4- شه‌یده بنت‌الهدی صدر در عرصه تعلیم و تعلم، همان.
- 5- مشتاق الحلو، زن در اسلام: پرتویی از اندیشه شه‌یده بنت‌الهدی صدر، نشر عابد، تابستان 1379.
- 6- بنت‌الهدی صدر، عشق و هوس، ترجمه مریم جلالی، نشر فرهنگ سبز، تابستان 1383.

7- بنت‌الهدی صدر، زن در زندگی پیامبر اکرم، ترجمه محمود شریفی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1382.

8- شه‌یده بنت‌الهدی صدر در عرصه تعلیم و تعلم، همان.

9- پیام آور بیداری: بنت‌الهدی در آئینه خاطرات منتشر نشده خانواده شه‌ید صدر، همان.

10- بی نام، واپسین فصل از حیات مبارزاتی شه‌ید آمنه بنت الهدی صدر: فرائر از باور، ترجمه مهرداد آزاد، شاهد یاران، بهمن 1386، شماره 2.

سایت

11- banooyeirani.i

12- tebyan.ne